

عبدل گلپریان 2004.8.14

راه بن بست بیانیه 21 نفر از رفقای کمیته مرکزی

قبلا در نوشته ای کوتاه تحت عنوان فراخوان به سهم خود تلاشم این بود که خود و دیگر رفقا را از صفتبندی کردن پیرامون مباحث جاری در حزب بر حذر دارم انگیزه این تلاش برای من و در گفتگو با رفقای زیادی در این مدت این بود که یکپارچگی این حزب را باید حفظ کرد چرا که ارزیابیم از اختلافات درحزب آنگونه که کلیشه دوره حزب کمونیست ایران را ازس ترسیم می کردند نبود و حالا هم نیست که به خاطرش فعالیت‌های این حزب را فلج کند. استحکام و ضربه ناپذیری این حزب در حدی بود که به سختی میشد از بیرون از آن بهش ضربه وارد کرد. سنتهای کمونیسم کارگری نادر این حزب را در جدال با سرمایه داری و جمهوری اسلامی، واکسینه کرده بود. باور کردنی نیست که این نابودی را از درون شاهدیم.

رفقا. تا قبل از سمینار 5 اوت که در آن کورش مدرسی به اتفاق 20 نفر از رفقا جدا کردن راه خود را اعلام کردند همچنان این امید را من و رفقای بسیاری داشتیم که می توان این دوره را با موفقیت و بدون کوچکترین لطمه ای پشت سر گذاشت که بعد از این سمینار و این اتمام حجت صورت مسئله عوض شد و امیدها به نا امیدی تبدیل شد. میخواهم اذعان کنم که ضمن حراست از اتحاد و یکپارچگی صفوفمان در حزب و از آنجا که خود را در تقابل با نظرات رفیق کورش می دیدم و می بینم، طی این مدت نادرستی هرچه بیشتر این مواضع و زیرپا گذاشتن موازین و اصول شناخته شده فعالیت حزبی و سازمانی که ر. کورش و بسیاری از رفقای 21 نفره سالهای سال مروج و مبلغ آن بودند، در سمینارها و بویژه در بیانیه اخیر که فرموله شده و تلاشهای خواسته ویا ناخواسته شان است بیشتر در معرض دید کادرها قرار دادند من هم قبول دارم که نمی شود زورکی در کنار هم کار کرد.

به بخشهایی از این بیانیه توجه کنید که تناقضات زیادی در آن بچشم می خورد

بیانه 21 نفره می گوید ما سنت منصور حکمت هستیم. اگر این بیانیه سنت منصور حکمت را نمایندگی می کند در صورت رای آوردن پلانفرمش (که من اسم آنرا نمی توانم پلانفرم بگذارم) چگونه می تواند با این "چپ سنتی، مانویستی، پیرو انقلاب ایدئولوژیک، پاسیو، فرقه مذهبی، سناریو سیاهی و بقیه القابی که تاکنون تحویل گرفته است" کنار بیاید و تضمین کند که سر عقل میاریدش آیا این است سنت حکمتیسم؟

همچنین بیانیه در صفحه 6 پاراگراف آخر تحت عنوان (راه خروج از بن بست) می گوید: این اختلاف راه حل تشکیلاتی ندارد راههای سازش امتحان شده اند حزب در شکل کنونی نمی تواند باقی بماند چون فاسد می شود. و حزب بعد از اعاده حیثیت کردن از آن می تواند به حزبی سیاسی تمام عیار تبدیل شود و این راه خروج بیانیه از این وضع است. و در صفحه 7 بیانیه زیر تیتر راه حل آمده: بارها اعلام کرده ایم که کادرها و رهبری این حزب در قالب یک حزب سیاسی سرمایه های جنبش ما هستند انقلاب کمونیستی به همه آنها احتیاج دارد. امری که ما داریم و حزبی که ما داریم به همه نیازمند است.

اگر راه حل تشکیلاتی ندارد، رای اعتماد پلنوم را طلبیدن یعنی چه آیا این راه حل تشکیلاتی نیست؟ حال سؤال این است که اگر حزب در شکل کنونی نمی تواند باقی بماند و بقول بیانیه چون فاسد می

شود، و قرار نیست سازشی هم صورت گیرد، چگونه با این راه حل تشکیلاتی یعنی رای اعتماد پلنوم به بیانیه 21 فضای حزب امن خواهد شد، فونکسیونها بکار خواهد افتاد، حزب را به سرعت به دنیای بیرون خواهد فرستاد و از فاسد شدنش جلوگیری خواهد شد؟ ظاهراً بیانیه راه حل تشکیلاتی را مردود اعلام کرده و با بستن چمدانها و اعلام از پیشی آن نمی توان وعده کسی را باور کرد .

یا در جانی میگوید : " چپ سنتی ، مانویستی ، پیرو انقلاب ایدئولوژیک ، پاسیو ، فرقه مذهبی ، سناریوسپاهی " و در همین بیانیه می گوید: بارها اعلام کرده ایم که کادرها و رهبری این حزب در قالب یک حزب سیاسی سرمایه های جنبش ما هستند انقلاب کمونیستی به همه آنها احتیاج دارد. امری که ما داریم و حزبی که ما داریم به همه نیازمند است.

منتها به نظر من جنبش و انقلاب کمونیستی را نمی توان با کسانی که مانویستی و دارای فرقه مذهبی باشند رهبری کرد و به پیروزی رساند

سوال دیگر از بیانیه 21 اینست که در بیانیه نوشته شده: کادرها و رهبری این حزب که سرمایه های جنبش و انقلاب کمونیستی هستند با امری که داریم و حزبی که داریم به همه نیازمند است. من هم هزار بار با این فرمولبندی موافقم اما آیا می دانید که این سرمایه ها

" چپ سنتی ، مانویستی ، پیرو انقلاب ایدئولوژیک ، پاسیو ، فرقه مذهبی ، سناریوسپاهی لقب گرفته اند و اگر این وضع ادامه پیدا کند بخشی از این سرمایه کادری و رهبری حزب را فاسد می کند؟ آیا با من متفق القولید که درش تناقض هست؟ این بیانیه هیچ راه حل سیاسی را جلو پای این حزب نمی گذارد و نه تنها راه حلی ندارد بلکه خود بیانیه در بن بست کامل نوشته شده است

بیانیه 21 کنگره 5 را مردود اعلام می کند و تصمیم کمیته مرکزی را در پلنوم معتبر می داند. این امر در شرایط متعارف کاملاً درست است اما بیانیه این را متوجه نیست که خود صورت مساله یعنی کمیته مرکزی و دفتر سیاسی آن، یک پای اصلی مشکلات و اختلافات موجود در حزب است و نمی تواند یک دخالتگر سیاسی به معنای واقعی در این رویداد باشد. پیشتر اشاره کردم حتی اگر پلنوم به شرط و شروط بیانیه 21 گردن نهد بنا به اظهارات خود این بیانیه این یک راه حل تشکیلاتیست و از نظر بیانیه رد شده یا نوعی سازش است و این هم رد شده و یک موفقیت تشکیلاتی فرضی نیز برای امضا کنندگان بیانیه نمی تواند گلی به سر وضعیت موجود در حزب بزند بنا بر این بیانیه از انسجامی سیاسی و تشکیلاتی برخوردار نیست و اساس راه حلی را نمی تواند بدرست دست نشان کند ، از این روست که حامل این همه تناقض است. با توجه به این و بعنوان کسی که نقطه امید های خود را در اتحاد و یکپارچگی حزب از دست داده و بیانیه 21 این توهم وحدت طلبانه من و بسیاری چون من را فرو ریخت در نتیجه فکر نمی کنم که پلنوم بتواند نقش چندانی در تغییر وضع موجود ارائه دهد. بیانیه مملو است از رفتن و تصمیم قطعی در بیانیه به خروج از حزب همه جا موج می زند. با توجه به آنچه اشاره کردم راه حلهای تشکیلاتی بیانیه 21 در پلنوم کوچکترین روزنه ای از برون رفت را نه تنها نشان نمی دهد بلکه بیشتر افق را تیره می کند. کنگره بعنوان عالیترین مرجع و بعنوان یک کنگره سیاسی و خم شدن بر روی دیدگاههای مختلف حول استراتژی حزب تنها راه برون رفت از وضع فعلی است . با توجه به دیدگاه حاکم بر بیانیه این احتمال هم می رود که کنگره هم ضرورت خود را از دست بدهد چرا که جوهر حاکم بر بیانیه علی رغم اینکه هیچ چیزی را در مورد اختلاف اصلی اشاره نمی کند، در عوض برای فاصله گرفتن از این حزب دارد ثانیه شماری می کند.